

ای جمع محترم آتش را لزوم ذاتی سوختن است و قوه برقیّه را لزوم ذاتی

افروختن ...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۳۶۷

هو الله

ای جمع محترم آتش را لزوم ذاتی سوختن است و قوه برقیّه را لزوم ذاتی افروختن آفتاب را لزوم ذاتی درخشیدنست و خاک را لزوم ذاتی قوه روئیدن در لزوم ذاتی انفکاک جائز نه چون تغیر و تبدل و تحوّل و انتقال از حالی بحالی از لوازم ذاتیه امکانست یعنی تتابع فصل ربیع و صیف و خریف و شتا و تبدل روز و شب از لوازم ذاتیه عالم ارض است پس هر بهاری را خریفی در پی و هر صیفی را شتائی در عقب و هر روزی شبی و هر صبحی را شامی وقتی که اساس ادیان الهی بکلی منهدم و اخلاق عالم انسانی متغیر اثری از نورانیت آسمانی نه و محبت بین بشر مختل ظلمت عناد و جدال و قتال و سرمای نمودت و انجماد حکمران بود و تاریکی احاطه نموده بود حضرت بهاء الله مانند کوكب آفاق از مشرق ایران طالع شد انوار هدایت کبری درخشید و نورانیت آسمانی بخشید و تعالیم بدیعی تأسیس فرمود و فضائل عالم انسانی تأسیس کرد و فیوضات آسمانی ظاهر فرمود و قوه روحانیه باهر ساخت و این اساس را در عالم وجود ترویج فرمود

اولاً تحرّی حقیقت زیرا جمیع ملل بتقالیدی عامیانه تشبّث نموده اند و از این جهت با یکدیگر در نهایت اختلاف و غایت نزاع و جدالند اما ظهور حقیقت کاشف این ظلماتست و سبب وحدت اعتقاد زیرا حقیقت تعدّد قبول نکند

ثانیاً وحدت عالم انسانی یعنی جمیع بشر کلّ مشمول الطاف جلیل اکبرند بند گان یک خداوندند و پرورده حضرت ربوبیت رحمت شامل کلّ است و تاج انسانی زینت هر سری لهذا باید جمیع طوائف و ملل خود را برادر یکدیگر دانند و شاخ و برگ و شکوفه و ثمر شجره واحده شمرند زیرا جمیع سلاله حضرت آدمند و لآلی یک صدف نهایت اینست که محتاج تربیتند نادانانند جاهلانند باید هدایت نمود مریضانند باید معالجه کرد طفلانند باید در آغوش مهربانی پرورش داد تا ببلوغ و رشد رسند و جلا لازم تا درخشنده و روشن گردند



ORIGINAL

ثالثاً آنکه دین اساس الفت و محبت است و بنیان ارتباط و وحدت دین اگر سبب عداوت گردد الفت نبخشد بلکه مورث کلفت گردد و عدم دین به از وجود آنست و تجرد از دین مرجح بر آن

رابعاً دین و علم توأم است از یکدیگر انفکاک ننماید و از برای انسان دو بال است که بآن پرواز نماید جناح واحد کفایت نکند هر دین که از علم عاریست عبارت از تقلید است و مجاز است نه حقیقت لذا تعلیم از فرائض دین است

خامساً آنکه تعصب دینی و تعصب جنسی و تعصب سیاسی و تعصب وطنی هادم بنیان انسانی است حقیقت ادیان الهی واحد است زیرا حقیقت یکی است تعدد قبول نکند و جمیع انبیا در نهایت اتّحادند و نبوت حکم آفتاب دارد در هر موسمی در نقطه‌ئی طلوع نماید لهذا هر سلفی اخبار از خلف فرموده و هر خلفی تصدیق سلف کرده لا نفرق بین احد من رسله

سادساً مساوات بین بشرست و اخوت تامّ عدل چنین اقتضا نماید که حقوق نوع انسانی جمیعاً محفوظ و مصون ماند و حقوق عمومی یکسان باشد و این از لوازم ذاتیه هیئت اجتماعیّه است

سابعاً تعدیل معیشت نوع بشر است تا جمیع از احتیاج نجات یافته هر کس بقدر امکان و اقتضا و رتبه و مکان راحت یابد همچنان که امیر عزیز است و در نعمت مستغرق فقیر نیز رزق یومی داشته باشد در ذلت کبری نماند و از شدت جوع از عالم حیات محروم نگردد

ثامناً صلح اکبر است باید جمیع دول و ملل در سایه خیمه صلح اکبر راحت و آسایش یابند یعنی از جمیع دول و ملل بانتخاب عمومی محکمه کبری تأسیس شود و اختلاف و نزاع دول و ملل در آن محکمه کبری فیصل یابد تا منتهی بجنگ نگردد

تاسعاً آنکه دین از سیاست جداست دین را در امور سیاسی مداخلی نه بلکه تعلق بقلوب دارد نه عالم اجسام رؤسای دین باید برتریت و تعلیم نفوس پردازند و ترویج حسن اخلاق نمایند ولی در امور سیاسی مداخله ننمایند

عاشراً تربیت و تعلیم و ترقی و رعایت و حرمت زنان است زیرا آنان در زندگانی شریک و سهم مردانند از حیثیت انسانی یکسانند

حادی عشر استفاضه از فیوضات روح القدسست تا مدنیت روحانیّه تأسیس شود زیرا مدنیت مادیّه تنها کفایت نکند و سبب سعادت انسان نشود زیرا مدنیت مادیّه مانند جسم است و مدنیت روحانیّه مانند روح جسم بی روح زنده نگردد لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم

این نبذه‌ئی از تعالیم بهاء الله است و در تأسیس و ترویج آن نهایت مشقّت و بلایا تحمل نمود همیشه مسجون و معذب بود و در نهایت تعب ولی در زندان این ایوان رفیع را بنیان نهاد و در تاریکی سجن باین نور پرتو بر آفاق انداخت بهائیان را نهایت آرزو اجراء این تعالیم است و بجان و دل میکوشند که جان خویش را فدای این مقصد کنند تا نور آسمانی آفاق انسانی را روشن نماید من بی نهایت مسرورم که در این محفل محترم با شما گفتگو مینمایم و نهایت رجا دارم که این احساسات وجدانی من در نزد شما مقبول گردد و در حقّ شما دعا مینمایم که باعظم مراتب عالم انسانی موفق و مؤید گردید ع